

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجَعَلْنَا لَكَ آيَاتٍ
مِنْ آيَاتِنَا

تربیت در اسلام

مهندس حسینعلی بایرام نژاد



انتشارات نظری

www.ketab.ir

سرشناسه	بایرام نژاد، حسین علی / ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور	تربیت در اسلام / حسین علی بایرام نژاد
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۱۲۸: .
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۴۲۶-۷:
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا :
موضوع	تربیت اخلاقی - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	اسلام و آموزش و پرورش - رشد اخلاقی - جوانان مسلمان - زندگی مذهبی
رده بندی کنگره	BP ۲۳۰/۱۸/ب۲ت۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیوبند	۲۹۷/ ۴۸۳۷ :
شماره کتابشناسی	۴۲۱۸۹۴ :



انتشارات نظری

نام کتاب: تربیت در اسلام

نویسنده: حسین علی بایرام نژاد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰

«کلیه حقوق مادی چاپ و نشر مخصوص محفظ ناشر می باشد»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین، پلاک ۳۲، طبقه ۲، پ. م. ۱۳۹۵

نش خیابان فتحی شقایی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، پ. م. ۱۳۹۵

info@nashrenazari.com

www.nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

عنوان..... صفحه

پیش نوشتار..... ۵

مقدمه..... ۱۳

تفاوت نهادهای دین پاسدار ملت نیست..... ۱۹

چگونه از طلایی شادکامی بهره گیریم؟..... ۵۱

نابسامانی روح و جگر از انعکاس..... ۶۷

لزوم ابراز عواطف بر ایمان..... ۷۹

رهبری نسل..... ۸۵

مکتب عظیم علم و تربیت در مسجد پیغمبر (ص)..... ۱۰۱

دنیای غرب از چشمه اسلام..... ۱۲۱

سه اصل مهم اسلامی..... ۱۲۹

جوان و تحولات روحی:

دوران جوان ارزنده ترین ادوار زندگی است و مسئولیت جوانان در این ایام پر ارج و زود گذر، بسیار سنگین است. در این ایام (شخصیت جوان) ساخته می شود و مقدرات آینده اش پی ریزی می گردد.

جوان، در این زمان، می اندیشد تا صورتی از نتایج اعمال را در جامعه تصویر نماید. سپس آزادانه تصمیم می گیرد و مسیر زندگی خود را تا پایان عمر انتخاب می نماید.

مهم ترین و بارزترین مسخهات جوان، ایده آل نامحدود اوست. او فکر می کند تا در جامعه بتواند بعضی ایفا کند و از چه راهی خویشتن را زودتر می تواند به جامعه معرفی کند و مسئولیت خود را در برابر اجتماع بهتر انجام دهد.

با آن که بلوغ به جوان صلاحیت آزادی و استقلال فکری می بخشد و به وی حق اتخاذ تصمیم اعطا می کند، ولی چون تحولات روحی و تضاد درونی جوان به اندازه ای سنگین و مهم است که حرمان جرئت ندارد شخصاً در مراحل تصمیم بگیرد، لذا همیشه به دنبال قهرمان تربیت یا به تعبیر بهتر به دنبال رهبر، می رود تا او را برای خوشبختی خویش نمونه گرفته و به دنبال او برود. و به قول (آدلر) که یکی از روانشناسان تربیتی

است، می گوید: (از بزرگ ترین مایه های تربیتی روح بشر که انسان هارا از مرحله پست به مراحل متعالی در راه فضائل بزرگ انسانی می کشاند، اعتقادشان به انسان هایا موجودات متعالی برجسته و یا به تعبیر واضح تر اعتقاد به رهبر و قهرمان طریق بوده است) و حقیقت این معنی در جوان به نوبه پیداست که عطش فراوانی دارد تا از میان جامعه افرادی را انتخاب کند و آرمان های خویش را از آن ها الهام بگیرد تا هدایت شود، و بالاخره ایده آل خود را به سیله رهبری او تحقق بخشد.

این جا بحرانی ترین مراحل زندگی جوان است. زیرا ممکن است با انتخاب قهرمانی در زندگی خویش چهره تازه ای دهد و خود را به اوج شخصیت و فضائل انسانی برساند. و از طرفی ممکن است با انتخاب مسیری، زندگی خود را دگرگون نموده، تاریک نماید و خود را به بدبختی و ذلت بکشد و از آرمان های خویش بماند. لذا در این جا می بینیم جوان یک نوع حالت تردید و ناراحتی را در وجود خود احساس می کند. اما قرآن کریم آن قهرمان و رهبر شایسته برنامه ی او الگوی زندگی و روش اجتماعی برای مردم است، پیامبر ترامی اسلام و روش های ارزنده ی او می داند و با صراحت می گوید: باید پیرو رسول خدا باشید (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه)^۱

ما جوانان امروز بر اثر تحول فرهنگی دچار آشفتگی روحی و تضاد فکری شده اند، زیرا اصول ایمان و اخلاقی که نقطه ی اتکا روانی و پایگاه اساسی آرامش ضمیر است، آسیب دیده و اطمینان خاطر را از جوانان سلب نموده است. و به قول دکتر (کارل) که می گوید (بیماریهای روانی آینده انسانیت را تهدید می کند، و خطرناک تر از سل و سرطان و بیماریهای قای است و وفور بیماری های روانی نقص بزرگی را در تمدن حاضر نشان می دهد). در این باره آمار زیاد است که غرب خود به این مسئله اعتراف دارد. ما برای اختصار از ذکر آن خودداری می نمایم.

اما تاریخ نشان داد است که مذهب نیرومندترین عامل برای نجات جامعه مخصوصاً نسل جوان است. به او تشخص و اتکاب نفس و ایمان به خویشتن و استقلال در برابر بیگانگان بخشیده است.

جوان و آزادی در تصمیم:

مهم ترین خطری که اکنون جوانان را در مسیر تکامل تهدید می کند موضوع عدم اطمینان به نفس است.

انسان در زندگی وقتی می تواند مثبت باشد و گام ترقی بردارد که هدف را تشخیص داده و در سایه آن استقامت ورزد. لذا می بینیم از تعالیم عالیہ اسلام به پیامبر گرامی این است که باید در راه هدف استقامت نمائی

(فاستقم كما امرت) چنان که رهبر آزاد مردان حضرت حسین (علیه السلام) در تعریف زندگی زیبا سخنی دارد. او می فرماید: (انما الحیوة عقیده و جهاد، زندگی جز کانونی از اراده و تصمیم و کوشش در پی امونش، چیز دیگری نیست).

به ناچار باید قدری توضیح دهم: تمام شئون طبیعت از حرکت زمین و عناصر فیزیکی گرفته تا حرکت عوالم علوی، از گردش خورشید و ستارگان و کیهانشان هر آنقدر شب و روز و بالاخره تمام امور طبیعت با اراده خداوند جهان و فیروز مطلق جبر در حرکتند و مسیری که برای آن جهت خلق شده می پیمایند.

یک درخت گل از روز اول که از خاک سر بیرون می آورد، طبق قانون جبر تنها هدفش آنست که کمال هائی را به تعبیر روشن تر نتیجه مثبت وجود خویشتن را تحویل طبیعت دهد، و آن زمان گل لطیف زیبا و معطر و نقاشی شده است.

اما انسان با این که در یک قسمت از وجود و تکامل طبیعی خود از این قانون بیرون نیست و جزو موجودات زنده ی همین عالم است و به قول (فلاسفه) از همین عناصری که سازنده ی سایر موجودات طبیعت است ساخته شده، ولی اختصاصات و میزاتی در بشر وجود دارد که او را از تمام موجودات زنده ی جهان طبیعت جدا می نماید.

حساب انسان با گل و گیاه و حشرات و حیوانات و خورشید و ستارگان از جهات متعددی فرق دارد. انسان در افعال خود دارای استقلال و اراده است و با اختیار خویش از وسائل موجود جهان برای تحقق بخشیدن کمال و سعادت و معنویت خود استفاده می کند، و بر همین اساس سرآمد همه ی موجودات جهان قرار گرفته است.

برای یک جوان در تمام شئون جسمی و طبیعی در مسیر قانون تکامل خلقت الهی، خداوند قهار به جبر در حرکت است، مگر در یک قسمت که خداوند او را به اختیار و اراده ی خود آزاد گذارده است تا فضیلت او ثابت شود و با میراث و خواسته ی خود کمال انسانی و کسب شخصیت و سعادت را برای خویش تحصیل نماید و از نیروی الهی که در وجود او به ودیعت نهاده شده استفاده کند. جوان باید بداند که بیهوده آفریده نشده است، خداوند به او اراده و تصمیم داده و رأی و فکر عنایت فرموده است. می تواند بیاندیشد و صورت تلخ و غایت اعمال خویش را تصور نماید، سپس تصمیم بر عمل بگیرد و از آن نیروی خدادادی برای سعادت و تحصیل کمال خود استفاده کند و به آرمان الهی خود برسد، و از طرفی می تواند به سوی انحرافات و ردائل اخلاق رفته نیروی الهی را بیهوده در راه بدبختی خود مصرف کند و در نتیجه از آرمان خویش بازماند.